

## بررسی تطبیقی میان مکاتب و الگوهای شهرسازی از دوره اسلامی تاکنون در ایران

کرامت... زیاری\* - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

امیر شریفی - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران

رضا زیاری - کارشناس ارشد معماری، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران

سمیه زیاری - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، پردیس بین‌المللی البرز دانشگاه تهران، ایران

تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۶

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۳

### چکیده

شهرسازی ایرانی پس از یازده قرن از تجربه در ساخت شهرها در پهنه امپراتوری عظیم خود با سپاه اسلامی مواجه شد که در خود مفاهیم والایی از مدنیت و انسانیت را به همراه داشت. دین اسلام دارای آنچنان تأثیراتی در مبانی شهرسازی ایرانی بود که باعث افزودن واژه اسلامی به مکتب شهرسازی ایرانی شد و از آن به بعد شهرسازی ایرانی با عنوان شهرسازی ایرانی - اسلامی شناخته شد. شهرسازی به عنوان یک علم و هنر پویا در ایران اسلامی همواره تغییراتی به همراه داشته که این تغییرات ناشی از ترکیب جامعی از عناصر با تأثیرات متفاوت بوده است. ارتقای علمی، صنعتی، تجاری، امنیتی و زیرساختی تا اراده و نظر حاکمان هرکدام می‌تواند به عنوان عنصری تأثیرگذار شناخته شود. بر این اساس باید گفت چون در طول تاریخ ایران اسلامی شرایط جامعه متفاوت بوده به تبع آن شهرسازی نیز در دوره‌های مختلف روندی ثابت نداشته است، دوره‌هایی مذکور هرکدام با عنوان سبک شناخته می‌شوند. هدف از این پژوهش شناسایی سبک‌های مختلف شهرسازی ایرانی - اسلامی به منظور مقایسه

انواع مختلف آن است. روش پژوهش، تفسیری - تاریخی و براساس اطلاعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا انجام شده است. پژوهشگر تعدادی از تفاوت‌های موجود در این سبک‌ها را روشن نموده و در نهایت با استناد به تمایزات مذکور به بررسی تطبیقی میان پنج سبک خراسانی، رازی، آذری، اصفهان و تهران پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** بررسی تطبیقی سبک‌ها، تمایزات سبک‌ها، سبک‌های شهرسازی، شهرسازی ایرانی - اسلامی، عناصر شهر ایرانی اسلامی.

## مقدمه

اسلام پشتیبان و توسعه‌دهنده شهر و شهرنشینی است، تا آنجا که پژوهشگران غربی چون جوزف ارنست رنان و ویلیام مارسز بیان کرده‌اند که اسلام از پایه، دینی شهری است (Abu Lughod, 1987: 156) و شهر اسلامی قبل از هرچیز یک قلعه ایمان است و از نظر سیاسی و قانون، تابع مقرراتی است که ناشی از شریعت هستند و از این رو نقش مذهبی شهر بر اهداف نظامی - اقتصادی حکومت‌های مستقر در آن شهر اولویت دارد (لطیفی و صفری چاپک، ۱۳۹۲: ۶۰). به نظر نجم‌الدین بemat شهر اسلامی عبارت است از: نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی، که براساس ایده‌آل‌های اسلامی، فرم‌های ارتباطی و عناصر تزئینی خود را در شهر وارد کرده است. اما فراتر از این تعریف، اصل دیگری بر جامعه مسلمانان حاکم است و آن محدود نبودن به زمان و نداشتن جغرافیای خاص است که مفهوم امت اسلامی آن را تعریف می‌کند. در شهرهای اسلامی فرم به تبع معنا تعریف می‌شود و کالبد، هویت خود را از محتوا اخذ می‌کند و این متأثر از بنیان‌های نظری هنر و معماری اسلامی است (بemat، ۱۳۶۹: ۱۱). از طرف دیگر به گفته احمد اشرف هنگامی که اعراب امپراتوری ایران را گشودند، شهرنشینی در این مناطق رونق فراوان داشت و کشورگشایان عرب برای استقرار حکومت خود در سرزمین پهناور امپراتوری اسلامی کار شهرگرایی و شهرسازی را دنبال کردند (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۴). در همین راستا باید گفت در سرزمین ایران آن عصر شهر وجود داشت: نخست شهرهایی که قبل از اسلام نیز شهر به حساب می‌آمدند و دوم شهرهایی که به صورت جدید ساخته شدند (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۴۵ و سعیدی رضوانی،

۱۳۷۷: ۹۹). در شهرهای دسته اول شاهد استحاله کالبد، فرم و سازمان فضایی شهرها هستیم، به نوعی که پس از مدتی کاملاً تغییر شکل یافته‌اند (خدایی و تقوایی، ۱۳۹۰: ۱۰۶). دسته دوم نیز علل مختلفی در بنای آن‌ها وجود داشت از جمله دلیل مذهبی، نظامی و اراده شخصی. نمونه‌های این شهرها شهرهایی چون بصره، کوفه، فسطاط، کربلا، نجف و بغداد هستند. بسیاری از این شهرها پس از نضج‌گیری هسته و سازمان نخستین توسط مردم، رشد و توسعه یافتند؛ شهرهایی مانند بصره، کوفه. در مقابل شهرهایی که با امر شخصی خلیفه و با نیتی خودنمایانه و در تقابل با عقاید مردم، بنا می‌شدند، غالباً پس از مدتی کاملاً از بین می‌رفتند؛ شهرهایی چون شهر مدور منصور و شهر انجار (نقی‌زاده، ۱۳۷۴: ۴۸).

این پژوهش به دنبال شناسایی مهم‌ترین تفاوت‌ها میان مکاتب و الگوهای شهرسازی از دوره اسلامی تاکنون در ایران است تا بدین طریق بتواند به بررسی تطبیقی میان آن‌ها بپردازد. دکتر حبیبی سه عامل را در افول، نزول و تغییر شهر و شهرنشینی مؤثر می‌داند. این سه عامل عبارت‌اند از: جهان‌بینی، عامل اقتصادی و عامل محیطی (حبیبی، ۱۳۸۷). براین اساس باید گفت در کشور یکپارچه‌ای نظیر ایران در طول دوره اسلامی همه عوامل یادشده ثابت به نظر می‌رسند. در نتیجه تفکیک و تشخیص مکاتب مختلف در کشوری که در طول تاریخ اسلامی خود دارای شرایط تقریباً یکسانی از نظر شهرسازی بوده است؛ امری دشوار و درعین حال حساس به نظر می‌رسد. واضح است هرگونه تقسیم‌بندی در مکتب ایرانی - اسلامی بیش از داشتن تمایزات، دربرگیرنده تشابهات اساسی در میان آن‌هاست. در همین راستا بمانیان معتقد است که نکته بارزی که در تمام ویژگی‌های معماری ایران دیده می‌شود این است که اولاً همگی آن‌ها از یک جهان‌بینی و تفکر مشتق شده‌اند و ثانیاً علی‌رغم ثبات ظاهری در عناوین آن‌ها در طی قرون متمادی تجلی کالبدی متفاوتی در زمان و مکان پیدا کرده‌اند (بمانیان، ۱۳۸۸: ۴). بنابراین این تحقیق متداول‌ترین تقسیم‌بندی مکاتب شهرسازی ایرانی - اسلامی را ملاک قرار داده و براساس آن به تفسیر و تحلیل تطبیقی میان مکاتب مختلف تا به امروز می‌پردازد. تا بدین طریق تفاوت‌ها و تمایزات موجود در سبک‌ها و نیز تغییراتی که سبک‌های ایرانی - اسلامی با آن مواجه بوده‌اند آشکار شوند.

## روش پژوهش

روش پژوهش، تفسیری - تاریخی و براساس اطلاعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا انجام شده است. در این پژوهش از اسناد و پژوهش‌های عمومی منابع دست اول استفاده شد که عبارت‌اند از: سفرنامه‌ها، گزارش‌های تاریخ‌نگاران دوره‌های مختلف تاریخی و نیز کتب تاریخی مختلف در رابطه با شهر و شهرسازی در دوره‌های تاریخی برای استخراج ویژگی‌ها و تمایزات مکاتب.

در نهایت تمایز عمده بسیاری در میان سبک‌های مختلف شهرسازی ایرانی - اسلامی شناسایی شد و با مقایسه این تفاوت‌ها تصویری روشن از الگوهای غالب شهرسازی در دوره‌های مختلف به دست آمد. این پژوهش نیز به لحاظ نوع پژوهش‌های تاریخی واجد محدودیت‌هایی مانند کمبود اسناد و مدارک تصویری و ترسیمی و نیز توصیفات دقیق معماری و شهری بود. به علاوه بسیاری از این پژوهش‌ها نیازمند کاوش‌های باستان‌شناسی برای مشخص شدن و دقیق شدن مواردی است که بیشتر بر مبنای توصیفات تاریخ‌نگاران قرار گرفته است.

## سبک‌های شهرسازی ایرانی بعد از اسلام

سبک‌های شهرسازی ایران بعد از ورود اسلام را می‌توان در ۵ گروه دسته‌بندی کرد:

۱. سبک خراسانی: بعد از ورود اسلام تا قرن چهارم هجری قمری؛
۲. سبک رازی: قرن چهارم تا قرن هفتم هجری قمری؛
۳. سبک آذری: قرن هفتم تا یازدهم هجری قمری؛
۴. سبک اصفهان: قرن یازدهم تا شروع قرن سیزدهم هجری قمری؛
۵. سبک تهران: از پایتختی تهران در دوره قاجار تا ۱۲۹۹ هجری شمسی.

## سبک خراسانی

در قرن اول تا چهارم هجری که با حکومت سامانیان در خراسان مقارن بود. نهضت‌های مختلف علمی، ادبی، آموزشی، مذهبی، تصوف و... به دلایلی چون از میان رفتن نظام کاستی، آمیخته شدن تمدن‌های مختلف، اجازه

برخورد آزاد آرا و اندیشه‌ها از سوی حکومت رشد یافتند، بنابراین سبک خراسانی در زمینه‌های مختلف از جمله شهرسازی ظهور پیدا کرد و سازمان شهر، در دولت سامانی به کلی با آنچه از قبل وجود داشت تفاوت یافت. شهر به دلیل وجود امنیت نسبی به مراتب وسیع‌تر از نمونه کهن خویش شد، دیوارهای شارستان (ناشی از نظام کاستی) فروریخت و الگویی جدید در شهرسازی پدید آمد. در شهر سبک خراسانی دو راسته اصلی در جهات اربعه و در میدان مرکزی با یکدیگر تلاقی می‌کردند که در اطراف آن‌ها علاوه بر دیوان‌ها، جامع شهر نیز قرار می‌گرفت و دهانه راسته اصلی بازار به آن باز می‌شد. بازار در حرکت خویش به سوی دروازه‌های شهر، محلات متفاوتی را به وجود می‌آورد، این شیوه تا قرن چهارم هجری قمری محفوظ ماند. در این دوره سه جامعه ایلی، روستایی و شهری در هم آمیخته می‌شد و شهرها هم شهر اصلی را دربر می‌گرفت و هم روستاهای نزدیک را شامل می‌شد. یکی از نکات قابل توجه در شهرسازی سبک خراسانی، انسجام اندام‌واره‌ای فضاهای کالبدی است که به تبع نظم آب‌رسانی شکل می‌گرفت.<sup>۱</sup>

## سبک رازی

سبک رازی<sup>۲</sup> با توجه به تغییر شرایط اجتماعی در قرون چهارم، پنجم و ششم پدید آمد. در این دوران شهرهای بزرگی چون سیراف، ری، اصفهان، نیشابور، طوس، جرجان و شیراز نام خود را در تاریخ ثبت کردند. شکوفایی انجمن‌های صنفی و خودنمایی مدرسه به عنوان یکی از عناصر پایه‌ای شهر، متأثر از توجه به آزادمنشی و آموزش در این دوران است. در این دوره آزادی‌های اجتماعی از میان رفت و شریعت اسلامی به مقیاسی وسیع، با اوضاع و احوال جدید سیاسی وفق داده شد. دولت مالکیت آب و زمین را به دست گرفت و نظام اقطاع و تیول‌داری زمان سامانیان به روی کار آمد. دولت در هر جا حاضر بود؛ بنابراین امنیت لازم برای تولید و مبادله فراهم شد؛ در نتیجه شهرنشینی و شهرسازی رشد نمود و شار بزرگ و گسترده شد (مجتهدزاده، ۱۳۸۷). پیرنیا در مورد سبک رازی می‌گوید: در نیمه اول قرن پنجم ه.ق با تأسیس سلسله سلجوقیان درخشان‌ترین دوره هنر اسلامی در ایران آغاز شد. در این دوره شاهد شیوه‌ای از معماری به نام رازی هستیم که از زمان سلسله آل زیار در شهر ری آغاز و تا حمله مغول ادامه پیدا کرد. در شیوه رازی بود که ساختمان‌هایی با کارکردهای گوناگون

<sup>۱</sup>. [www.daneshnameh.roshd.ir](http://www.daneshnameh.roshd.ir).

<sup>۲</sup>. چون اولین بناهای این سبک در شهر ری (راز) ایجاد شد با این نام شهرت یافت و اوج آن در دوره سلجوقیان بوده است.

پدید آمدند (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

## سبک آذری

آذربایجان یکی از مراکز پر قدرت معماری جهان اسلام است (آجولو، ۱۳۸۹: ۴) که فرایند تحولات معماری در آنجا تاریخی کهن دارد. قرون هفتم و هشتم هجری قمری عصر شکوفایی معماری و شهرسازی در آذربایجان بوده است (آجولو، ۱۳۸۸: ۴۰). پیرنیا در سبک‌شناسی معماری اسلامی ایران سبکی به نام آذری را توصیف و پیشنهاد کرده که این اصطلاح تا به امروز مترادف معماری ایلخانی - تیموری بوده است (پیرنیا، ۱۳۵۰: ۶۴ و پیرنیا، ۱۳۵۴: ۵۵). این سبک با ورود مغولان آغاز گردید و تا زمان صفویه ادامه داشت و به دلیل احداث اولین بناهای این سبک در تبریز به سبک آذری معروف شد. دوره حکومت غازان را آغاز سبک آذری می‌دانند. فقدان شبکه شهری در دوران مغول از مهم‌ترین خصیصه‌های شهرسازی این عهد است. نبود دولت و وجود ناآمنی باعث می‌شد هر کجا که خان مغول سکنی می‌گزید مردم هم به آن شهر روی آورند. به همین دلیل در سبک آذری، تک‌شهرهایی چون تبریز رشد کردند. از جمله شهرهای جدیدی که در عهد مغول ساخته شدند می‌توان به شام‌غازانی، ربع رشیدی و سلطانیه اشاره کرد. ربع رشیدی شهری بود مشتمل بر هزار خانه که دارای محلات متفاوتی بود و کتابخانه‌ای بزرگ و عمارتی را در خود جای می‌داد و طرح آن شطرنجی بود. از دیگر ویژگی‌های این دوره می‌توان به وجود محلات با فاصله فیزیکی اشاره کرد (حبیبی، ۱۳۸۷).

## سبک اصفهان

ظهور مکتب اصفهان در شهرسازی به یکباره اتفاق نیفتاد و مانند سایر شیوه‌های شهرسازی یا معماری ایران در امتداد سنت شهرسازی گذشته ایران قرار داشت. در مورد شهرسازی مکتب اصفهان پژوهش‌های شایسته‌ای انجام شده است<sup>۱</sup> اما در مورد سبک‌های پیش از اصفهان منابع آن قدر کم است که نمی‌توان به طور دقیق تأثیر آن‌ها را در شکل‌گیری مکتب اصفهان تعیین کرد.

با انقراض حکومت مغولان، رشد مذهب شیعه رشد یافت. حکومت صفوی با تکیه بر مفاهیم عرفانی و نیز تکیه

<sup>۱</sup>. برای نمونه حبیبی، ۱۳۸۷؛ حبیبی، ۱۳۷۴؛ اهری، ۱۳۸۵ و مقالات ارائه‌شده در همایش مکتب اصفهان.

بر تعبیر و تفاسیر شریعت از نقطه نظر مذهب شیعه موفق شد پایگاه اجتماعی بسیار گسترده‌ای را در پهنه‌ای وسیع به دست آورد و بدین سان متمرکزترین دولت ایرانی دوره اسلامی را بعد از دولت قاهر ساسانی تشکیل دهد. دولت صفوی بنا به سنت کهن، سازمان‌دهی، راه‌اندازی و ایجاد تأسیسات و تجهیزات زیرساختی را برعهده گرفت و رشد این تأسیسات رونق شهرگرایی و شهرنشینی را به دنبال آورد. در این دوره مفهوم دوباره‌ای از شهر ابداع شد و شهر ترکیبی بود از فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و بازرگانی که درعین حال مقر دیوان و دولت نیز به‌شمار می‌رفت (نظریان، ۱۳۹۰). سبک اصفهان، تحقق آرمان شهر دولت صفوی، شهر قدرت، شهر نمایش، شهر بازار، شهر سرمایه و شهر ایوان بود. علاوه بر این‌ها شهر در مکتب اصفهان با منطقه تحت نفوذ ارتباط مستقیم و دوسویه داشت؛ لذا شهر منطقه نیز بود. ویژگی‌های کالبدی شهرهای مکتب اصفهان را می‌توان به اختصار به این صورت بیان کرد: یک محور جدید و وسیع شهری (چهارباغ) که تا این زمان در شهرسازی و شهر ایرانی سابقه نداشته طراحی شد. میدانی وسیع و گسترده با تعریفی روشن و صریح در شهرها ایجاد شد که در اطراف آن گرمابه، مدرسه، خانقاه، مسجد، آب‌انبار و بازارچه و امثال آن وجود داشت. برای اولین بار منطقه‌بندی شهری معنا پیدا کرد. مجموعه‌های شهری جدید در کنار شهرهای کهن به عنوان یک دستورالعمل در همه‌جا به کار گرفته شد و بدین طریق مهر و نشان مکتب اصفهان را بر شهرهای موجود وارد کرد. طراحی مجموعه شهری و نه بنای منفرد معماری بنیان نهاده شد. شهرسازی ویژگی‌های دیگری را نیز همچون سلسله‌مراتب فضایی، تعادل و توازن، فضای انسانی و مردم‌وار، فقدان نقطه گریز، وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت و ویژگی‌هایی از این قبیل را دارا بود (حبیبی، ۱۳۸۷).

### سبک تهران

نطفه سبک تهران در زمان تشکیل دولت قاجار بسته شد. محله در سبک تهران همانند سبک اصفهان، محل تظاهرات قومی - قبیله‌ای نبود و از این پس نماد تمایزات اجتماعی (محله فرودستان و محله فرادستان) به شمار می‌آمد. میدان نیز در مفهوم، ساخت، سازمان و عملکرد؛ به گونه‌ای دیگر سامان یافت. میدان توپخانه، میدان ارگ، بهارستان و امین‌السلطان هرکدام تبلور کالبدی و نشانه‌ای از این دگرگونی بودند. در این میداين برخلاف میداين سبک اصفهان به جای مسجد، مدرسه، کاخ حکومتی و بازار، عناصری چون عمارت تلگرافی، پستخانه،

بانک، عمارت بلدییه و نظمیه استقرار پیدا کرد. بازار با یک رقیب جدی مواجه شد و عملکردهای جدیدی چون تماشاخانه، سینما و هتل چهره شهر را دگرگون کرد و مفهوم شهر اروپایی به گونه‌ای صوری جایگزین شهر مکتب اصفهان شد. خیابان نه مانند خیابان مکتب اصفهان، صرفاً نقش تفرجگاهی و نه مانند دوره‌های بعد از خود صرفاً جنبه ترافیکی داشت، بلکه به عنوان فضای شهری زنده و پویا خود را نمایان ساخت. در سبک تهران تقابل دو مفهوم جدید و کهن، نو و سنتی، فرهنگی و بومی اولین تأثیرات فضایی - کالبدی خود را بروز دادند و خیابان‌ها و میدانی با عناصر جدید اطرافشان محل اقشار اجتماعی متجدد و به اصطلاح فرنگی‌مآب بود و بازار، بازارچه و مراکز محلات محل تردد اکثریت جامعه که هنوز بر مبنای روابط کهن زندگی می‌کردند. سبک تهران برخلاف سبک اصفهان بنا به دلایل متعدد نتوانست دامنه دگرگونی‌های خود را به همه شهرهای ایران بگستراند. دکتر حبیبی معتقد است سبک تهران نه در انقطاع بلکه در تداوم مکتب اصفهان محسوب می‌شود و سبکی است که جامعه کهن شهر را از نو آراست. لازم به ذکر است که این سبک از اوایل قرن سیزدهم شروع و تا سال ۱۲۹۹ هجری شمسی ادامه یافت (حبیبی، ۱۳۸۷).

## بحث و یافته‌ها

از آنجایی که موضوع این تحقیق تحلیل تطبیقی از الگوهای شهرسازی در دوره اسلامی است؛ در همین راستا برای پیشبرد اهداف تحقیق، این تحقیق به دنبال روشن‌سازی تمایزات این پنج سبک است. لازم به ذکر است که مواردی که در زیر آمده است تنها تمایزات مستندی را شامل می‌شود که در منابع و مأخذ مرتبط یافت شده است.

## مشارکت شهروندان در اداره امور شهری

یکی از اصول اسلامی که حتی در قرآن کریم نیز برای آن دستوراتی دیده می‌شود، مدیریت مشورتی است؛ اما باید گفت وجود حکومت قاهر مرکزی که همیشه خود را موظف به تصمیم‌گیری در امور قلمرو خود می‌دانست در هیچ دوره‌ای به ایجاد زمینه‌های ورود مشارکت در امور اجازه نداد. تنها در دوران سبک تهران و آن هم بعد از انقلاب مشروطه و با تصویب قانون بلدییه بود که در آن بهره‌مندی شهروندان از حق انتخاب کردن ازجمله در



زمینه مدیریت و اداره شهرها در زمره حقوق سیاسی قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

### مدیریت شهری

تا پیش از تأسیس بلدیة در سبک تهران، حکام ایالت‌ها و ولایات یکی از نزدیکان خود را با عنوان حاکم برای حکومت شهر برمی‌گزیدند. حاکم شهر در دیوان‌خانه حکومتی مستقر بود و اداره شهر و رسیدگی به مسائل مردم شهر را به داروغه واگذار می‌کرد که او نیز تشکیلات خود را در دیوان‌خانه داشت. داروغه‌ها نیروی اجرایی به نام گزمه در اختیار داشتند. و تقریباً تمامی امور اجرایی و مدیریت شهری زیر نظر داروغه و کارگزاران زیردست وی قرار داشت (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۱) در سبک تهران داروغه‌خانه‌ها منحل می‌گردند و بلدیة یا شهرداری جایگزین آن برای مدیریت شهر می‌شود و برای اداره امور بودجه و اعتبارات دولتی تخصیص داده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۲۵۴). تأسیس بلدیة نخستین اقدام برای نهادینه کردن مدیریت شهری در کشور است (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۳: ۵۶).

### پایتخت‌گرایی

در شهرسازی ایران و تاریخ تحولات شهری آن، توجه به پایتخت‌ها به منزله عامل توسعه ویژه، جایگاه خاصی دارد، انتخاب پایتخت سیمای شهرها را به شدت دگرگون کرده است (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۳: ۴۱). حتی گفته شده که طی قرن‌های گذشته تنها پایتخت‌ها رونق داشتند و تقریباً به حال خود گذاشته شده بودند (اهلرز، ۱۳۷۵: ۱۷۷). استقرار نخستین مؤسسات تمدنی در تهران و سپس مراکز استان‌ها (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰) یا آنچه از آن به عنوان روند و تجربه نوگرایی یاد می‌شود (سعیدنیا، ۱۳۷۴: ۷۰۳) همگی نشان از اهمیتی دارد که در ایران برای پایتخت قائل شده‌اند.

در طول تاریخ شهرسازی ایران دوره‌ای از تاریخ شهرسازی که زمامداری آن برعهده مغولان (آذری) بود یک دیدگاه پایتخت‌گرایی افراطی فضای حکومتی را دربر گرفته بود به طوری که شاهان مغول با تمام قدرت شهرهای کشور را مورد غارت و ویرانی قرار می‌دادند و غنائم به دست آمده را صرف آبادانی پایتخت‌های خود می‌کردند؛

<sup>۱</sup>. ر.ک. به بررسی تطبیقی انجمن‌های محلی با شوراهای اسلامی، محمد رضا حافظ‌نیا و هادی ویسی.

نمونه‌های این پایتخت‌ها شهرهایی نظیر سمرقند، مراغه و تبریز بوده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت سبک آذری دارای یک حس انحصارطلبی در آبادانی برای پایتخت‌های خود بود؛ دیدگاهی که هم در قبل و هم در بعد از سبک آذری بی‌سابقه بوده است.<sup>۱</sup>

### مبنای محله‌بندی

در چهار سبک خراسانی، رازی، آذری و اصفهان مبنای تقسیم‌بندی محلات مسائل فرهنگی، اجتماعی و مذهبی بوده است؛ اما در سبک تهران با یک تغییر نو در محله‌بندی مواجه هستیم و آن محله‌بندی براساس ویژگی‌های اقتصادی است که بر این اساس محلات براساس میزان درآمد (در سبک تهران) به وجود می‌آیند.<sup>۲</sup>

### نقش و عملکرد بازار

بازار در شهر ایرانی - اسلامی یکی از ارکان بسیار عمده به شمار می‌آید. در واقع از بازارهای شهرها به ستون‌های فقرات شهری یاد می‌شود. از دوره سامانیان بازار همواره نقش محوری مهمی را در ساختار کالبدی شهرها تشکیل می‌داد. این محوریت در سبک اصفهان به نهایت خود می‌رسد که ساخت بازار وکیل توسط خان زند را می‌توان نمونه‌ای از این به نهایت رسیدن دانست چراکه بعد از گذشت سالیان دراز و وقوع زلزله‌های متعدد هیچ خللی در ساختمان آن، به‌ویژه در طاق بزرگ چهارسوق پدید نیامده است. این در حالی است که سبک اصفهان با گسترش قدرت اقتصادی بازار همراه بوده است. البته در این بابت نیز باید گفته شود که توسعه بازار ناشی از توسعه اقتصاد کشور بوده است. بازار ایرانی - اسلامی با ویژگی‌های ناب خود حتی در دوره سبک‌های رازی و آذری نیز رواج بسیاری داشته است.

به تدریج با قدرت‌گیری سبک تهران و احداث خیابان‌های نمادگرایانه از نوگرایی هوسمان‌گونه (سعیدنیا، ۱۳۷۴: ۳) بازار به شیوه‌ای سریع و برق‌آسا گستره قدرت و نفوذ خود را از دست داد. ساخت مغازه‌های ویتروینی لوکس در کنار خیابان دو نتیجه عمده را برای بازار در پی داشت: الف) محلی برای برآورده‌سازی نیازهای قشر فقیر و

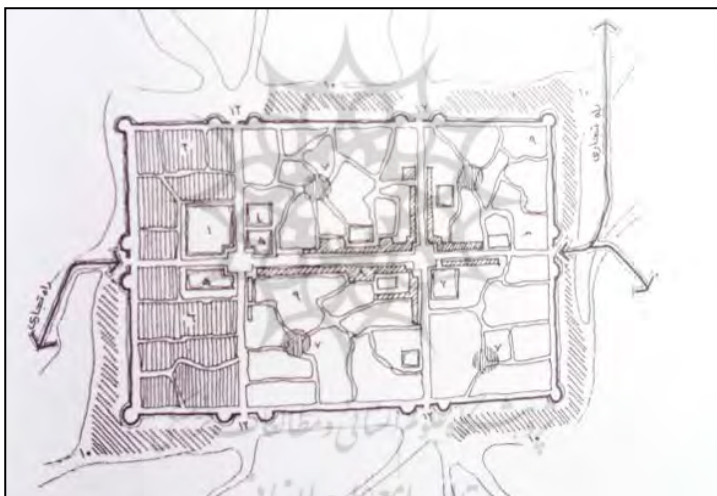
<sup>۱</sup>. ر.ک. به کشاورزی و مناسبات ارضی ایران در عهد مغول، پطروشفسکی و ر.ک به نزهةالقلوب، مستوفی.

<sup>۲</sup>. ر.ک. به شار تا شهر، سید محسن حبیبی.

متوسط و نیز افراد مسن شد و ب) عملکرد عمده‌فروشی پیدا کرد؛ زیرا هر گوشه از شهر که خیابانی داشت محلی برای برآورده کردن نیازهای مردم به شمار می‌آمد.<sup>۱</sup>

### شکل شهر

یکی از تفاوت‌های موجود در سبک‌های ایرانی - اسلامی موضوع شکل شهر است. به گونه‌ای که دو سبک خراسانی و رازیدارای شهرهایی با شکل مربع و مستطیل بوده‌اند که این‌گونه شکل‌های شهری به پیروی از سبک شهرسازی ساسانیان بوده است.



شکل ۱. شکل شهر در خراسانی و رازی  
منبع: رحیمیه و ربوبی، ۱۳۵۴ و مشهدی‌زاده دهقانی، ۱۳۷۴

این در حالی است که دو سبک آذری و اصفهانی با وجود داشتن یک معماری موزون از لحاظ شکل شهری دارای شکلی آشفته و غیرمنظم است؛ که این می‌تواند به علت توسعه سریع شهری به خصوص در سبک اصفهان باشد.

<sup>۱</sup>. ر.ک. به فرایند برنامه‌ریزی شهری در ایران، محمدتقی رهنمایی



شکل ۲. شکل شهر در سبک آذری و اصفهانی

منبع: حبیبی، ۱۳۸۷

سبک تهران با مدنظر قرار دادن سبک روز شهرسازی اروپایی، سعی در به نظم کشیدن شهر آشفته سبک اصفهانی دارد بر این اساس در این دوره شاهد ساخت میادین و خیابان قائم می باشیم و شهر با تغییرات عمده‌ای هم در بافت و هم در شکل شهر مواجه می شود اما رشد سریع شهر مانع از به نظم کشیدن شکل شهر می شود.



شکل ۳. شکل شهر در سبک تهران

منبع: حبیبی، ۱۳۸۷

### تأثیرات منابع آب شهری

در چهار سبک خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی منابع آب نقش بسیار مهمی را در سازمان دادن به شبکه خیابان‌ها، موقعیت کاربری‌های محتاج آب، اندازه محله و حتی توسعه محلات داشته است ولی در سبک تهران این تأثیرگذاری به حداقل می‌رسد.<sup>۱</sup>

### معماری فضاهای شهری

در میان سبک‌های مذکور سبک اصفهان به عنوان نخستین سبک ایرانی - اسلامی بحث مجموعه‌های شهری و تولید فضاهای هماهنگ را مدنظر قرار می‌دهد؛ بدین معنی که از این پس معماری نه در حد بناهای منفرد بلکه در حد مجموعه‌های شهری مطرح می‌شود و دیگر معماری شهری و خلق فضاهای شهری هدف اصلی شهرسازی در سبک اصفهان است. در این نگرش تأسیسات و تجهیزات شهری، آب‌انبارها، پل‌ها، کاروانسراها و باغ‌ها، نهرها و رودخانه‌ها نه در مقیاس منفرد و مجزای خویش بلکه در مقیاس مجموعه و رده سلسله‌مراتبی و مکانی آن مطرح و سامان‌دهی می‌شوند.<sup>۲</sup>



شکل ۴. مجموعه گنجعلی‌خان کرمان در تداوم ساخت میدان‌های حکومتی در عصر صفوی  
منبع: پارسی و منصور، ۱۳۸۵

<sup>۱</sup>. ر.ک. به از شار تا شهر، سید محسن حبیبی و همچنین ر.ک. به تفکیک قنات و نقش آن در شکل‌گیری و توسعه اولیه سکونتگاه‌های ایران، کرامت‌اله زبیری .

<sup>۲</sup>. ر.ک. به از شار تا شهر، حبیبی و سفرنامه‌های این عهد (شاردن، کمپفر و تاورنیه)

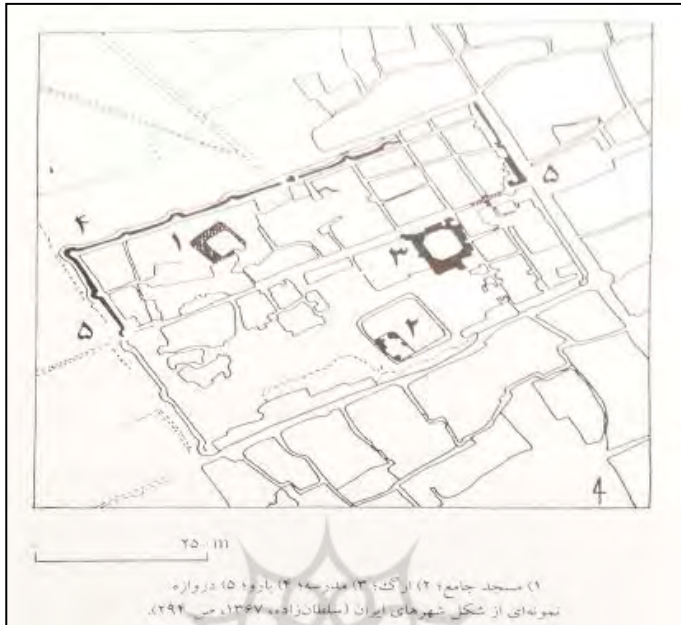
## تبدیل فضاهای شهری از شکل بسته به باز

الگوهای شهرسازی چه قبل از ورود اسلام و چه بعد از آن همواره به صورت بسته استقرار یافته‌اند، هرچند بعد از ورود اسلام این بسته بودن الگوها به صورت یکی از ویژگی‌های شهرسازی ایرانی - اسلامی به وجود آمده است. برای بسته بودن فضاهای الگوهای شهرسازی و معماری دلیل امنیتی بسیار غالب بوده است تا این که در سبک تهران، فراهم آمدن امنیت شهری از سوی دولت قاهر مرکزی، تغییر فرم‌های معماری مسکونی از حیاط مرکزی به مجتمع‌های آپارتمانی و نیز ورود اتومبیل به خیابان‌ها موجب شد که معماری و شهرسازی برون‌گرای جدید به تدریج جایگزین معماری درون‌گرای سنتی گردد و الگوهای اندرونی و بیرونی کنار گذاشته شود (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷). مجموعه این روندها موجب شد زیست و معیشت شهری از شکل بسته و سنتی به شکل باز تبدیل شود و سیمای شهرها چه از نظر ارتباط با فضاهای خارجی و چه با اجزای داخلی آن‌ها، شکلی جدید به خود بگیرد و پیوندی بیشتری میان محله‌های شهری به وجود آید (معماریان، ۱۳۷۴: ۱۳-۱۲).

## نامنی شهرها

وجود ایلات و عشایر در طول تاریخ برای شهرها یک عامل ایجاد نامنی بوده است. در سبک‌های شهرسازی اسلامی وجود سه عنصر ارگ مستحکم، دروازه و بارو دلیل بر وجود نامنی در فضاهای شهری است. سیاست اسکان عشایر تضمینی برای ارتقای امنیت شهرها بود به همین دلیل نهایتاً در سبک تهران با تخریب دروازه و برج و باروی شهر مواجه می‌شویم که بیانگر ایجاد امنیت در شهرهاست.<sup>۱</sup>

۱. رک به مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، حسین سلطان‌زاده.



شکل ۵. نمونه‌ای از شکل شهرهای ایران

## نتیجه‌گیری

پیدایش هریک از این پنج سبک ایرانی اسلامی به صورت یک بازتولید یک‌شبه به وجود نیامده است بلکه هریک از این سبک‌ها حاصل فرآیندی بسیار طولانی است که در طی سال‌ها به وجود آمده است. با مطالعه عمیق این سبک‌ها این مهم آشکار می‌شود که هر کدام از آن‌ها دارای یک تأثیرپذیری غالب بوده‌اند؛ سبک خراسانی به عنوان نخستین سبک ایرانی - اسلامی بر این اساس بنیان نهاده شد که چون اسلام در ابتدا دارای تجربه شهرسازی، کشورداری، کشاورزی، تجارت و... نبود، در نتیجه با ورود آن به هر سرزمینی اقدام به بومی‌سازی دستاوردهای آن سرزمین می‌نمود، بر همین اساس ورود مسلمانان به ایران باعث ایجاد تغییراتی در فرایندهای شهرسازی کشور شد. در واقع قوانین شهرسازی آن عصر با قوانین شریعت اسلام مطابقت داده شدند. حاصل این مقایسه و تطابق حفظ عناصر همسو با قوانین اسلام و حذف عناصر متضاد با شریعت اسلام بود. سبک خراسانی در واقع یک سبک پارتی مسلمان‌شده است که آن‌چنان با مهارت اقدام به بومی کردن آن (از

سوی شهرسازان و معماران آن عصر) شده که می‌توان گفت شهرهای سبک خراسانی همان شهرهای ساسانی‌اند که مجهز به عناصر اسلامی شده و در ضمن عناصر غیراسلامی از آن زدوده شده‌اند. این در حالی است که باید پذیرفت که شهر در سبک خراسانی دارای نوآوری‌هایی بوده است و نمی‌توان آن را فقط گونه‌ای التقاطی به شمار آورد. ایجاد محلات شهری در رقابت (نه در تضاد و درگیری) و ایجاد فضای شهری آزاد برای گروه‌های مختلف شهری در این سبک باعث گسترش خرد و خردورزی در میان شهروندان و به تبع آن در اداره شهرها شد.

سبک رازی نیز در ادامه سبک خراسانی به وجود آمد البته این بار نقش قوانین اسلامی در آن رو به فزونی بود. در این سبک شهر با عناصر نوینی روبه‌رو می‌شود که پویایی شهرها را در پی دارد. ایجاد مدارس و نظامیه‌ها نمونه‌هایی از این عناصرند. در ضمن ایجاد سازمان دیوانی منسجم در سبک رازی به خصوص در عهد سلاجقه باعث مدیریت سامان‌مند و قانونی شهرها و نواحی اطراف شد.

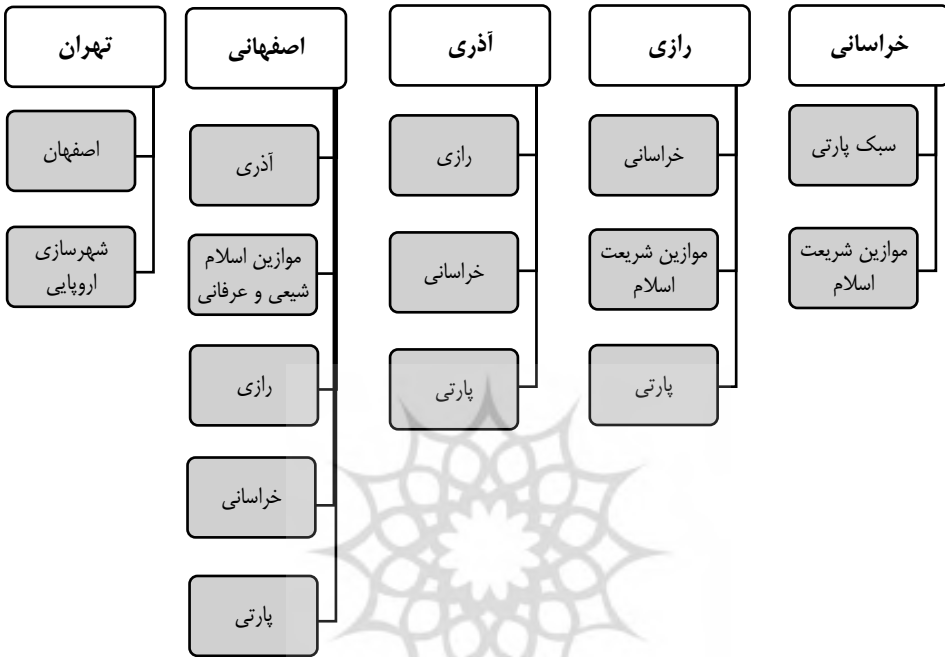
ویرانی‌های ناشی از حمله مغول مانع از اعتلای هرچه بیشتر سبک رازی شد و در واقع دستاوردهای سبک رازی را در شهرسازی به نابودی کشاند. هرچند که بعدها به‌کارگیری کارگزاران ایرانی در این عهد باعث بازگشت به دستاوردهای شهرسازی گذشته شد. سبک آذری در واقع بازگشتی دوباره به شهرسازی و باغ‌سازی سبک خراسانی و رازی است که نمونه‌های آن در ماورالنهر قابل رؤیت بود با این تفاوت که این بار تنها به ساخت تک شهر توجه می‌شود.

در سبک اصفهان هنر و علم معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی به نهایت شکوه خود می‌رسد. در سبک اصفهان همه‌چیز بجاست. نه می‌توان سبک اصفهان را جدا از سبک‌های قبلی و نه می‌توان آن را بی‌شباهت با آن‌ها دانست. در این سبک هنر ایرانییت با معنا و مفهوم اسلامیت به زیبایی در هم آمیخته می‌شوند و نمونه شهر اصفهان را عرضه می‌دارند. این سبک برخلاف سبک‌های قبلی گسترشی فراپایختگی دارد به گونه‌ای که در اکثر شهرهای تاریخی ایران تأثیرات بسیار زیاد آن به‌وضوح دیده می‌شود. برای مثال می‌توان به شهر مرزی سندج اشاره نمود که حتی با وجود فاصله بسیار و نیز تازه تأسیس شدنش در آن عصر به شیوه‌ای روشن از موازین سبک اصفهان پیروی می‌کند، در این زمینه می‌توان به ساخت چهارباغ، عمارات و باغ‌ها و حتی حمام‌ها اشاره کرد که گویای این تأثیرپذیری آشکار هستند. در زمینه گستره زمانی نیز سبک اصفهان حتی با وجود مواجه شدن با شهرسازی نوین اروپایی گستره خود را تا اواخر قاجاریه تماماً حفظ کرد. ورود مستشاران، معلمان و معماران



غربی به کشور آغاز تأثیرگذاری اروپا بر شهرهای ایران است هرچند نطفه این موضوع در زمان مسافرت‌های شاهان قاجاری به اروپا بسته شد. سبک تهران دارای بیشترین تمایزات با دیگر سبک‌های ایرانی - اسلامی است؛ زیرا سبک تهران حاصل همکاری دو مکتب بزرگ است: در سویی مکتب شهرسازی ایرانی - اسلامی با سابقه هزارساله واقع شده است و در سوی دیگر مکتب شهرسازی اروپا قرار دارد که مهد مدرنیته است. اگرچه از بسیاری لحاظ شهر سبک تهران یک شهر غیربومی است اما با دقت در بافت و شکل شهر به صورت عام این مهم روشن می‌شود که سبک سنتی هنوز در تاروپود شهر سبک تهران تنیده است. سبک تهران شاید پایانی باشد بر سبک ایرانی - اسلامی در شهرسازی. این پایان با روی کار آمدن مکتب شهرسازی بین‌المللی همراه است؛ مکتبی که باعث رانده شدن شهر ایرانی - اسلامی به حاشیه شده است. امید است با تلاش‌ها و همکاری‌های مسئولان، شهرسازان، معماران و استادان امر بتوان به احیای موارد مثبت در سبک‌های یادشده اقدام نمود. زیرا هویت و تمایز شهرهای ایران اسلامی ما وابسته به بازگشت به سبک‌های گذشته و اصلاح نقاط ضعف و کاستی‌های آن‌هاست.





نمودار ۱. نمودار تأثیرپذیری شبکه‌های ایرانی - اسلامی

پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

۱. آجورلو، ب. ۱۳۸۸، پژوهشی باستان‌شناختی در ارک علیشاه تبریز، انتشارات فروغ آزادی، تبریز.
۲. آجورلو، ب. ۱۳۸۹، درآمدی بر سبک معماری آذربایجان، باغ نظر، شماره چهارده، سال هفتم، صص ۱۴-۳.
۳. اشرف، ا. ۱۳۵۳، ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران، نامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره چهارم، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون تهران، صص ۴۹-۷.
۴. اشرف، ا. ۱۳۵۹، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، دوره قاجاریه، انتشارات زمینه، تهران.
۵. اهری، ز. ۱۳۸۵، مکتب اصفهان در شهرسازی، دستور زبان طراحی شالوده شهری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۶. اهلرز، ا. ۱۳۷۵، پایتخت‌ها و سازمان‌دهی فضا در ایران، اصفهان، شیراز و تهران، تهران پایتخت دویست‌ساله، سازمان فنی و مهندسی شهر تهران و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، تهران.
۷. بemat، ن. ۱۳۶۹، شهر اسلامی، ترجمه محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامپوچی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۸. بمانیان، م. ۱۳۸۷، رهیافت‌هایی در معماری مسلمین، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
۹. پارس، ف. و منصور، ک. ۱۳۹۰، بررسی نظام اجتماعی در ساختار شهرهای ایران و تبیین جایگاه محلات به‌مثابه نظام اجتماعی شکل‌دهنده به شهر قاجاری، اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۱۰. ۱۳۵۷، کشاورزی و مناسبات ارضی ایران در عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات نیل، تهران.
۱۱. پیرنیا، م. ۱۳۵۰، سبک‌شناسی، هنر و معماری، شماره دهم و یازدهم، صص ۶۶-۵۲.
۱۲. پیرنیا، م. ۱۳۵۴، سبک آذری، مجله فرهنگ معماری ایران، شماره یک، صص ۷۵-۵۵.
۱۳. پیرنیا، م. ۱۳۸۴، معماری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سروش دانش.
۱۴. تاورنیه، ژ. ۱۳۳۶، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، انتشارات تأیید، اصفهان.
۱۵. حافظ‌نیا، م و ویسی، ه. ۱۳۸۶، بررسی تطبیقی انجمن‌های محلی با شوراهای اسلامی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۱۳-۷۵.
۱۶. حبیبی، م. ۱۳۷۴، مکتب اصفهان، اعتلاء و ارتقا مفهوم دولت، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۱۷. حبیبی، م. ۱۳۸۷، از شار تا شهر تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۸. خدایی، ز. و تقوایی، ع. ۱۳۹۰، شخصیت‌شناسی شهر اسلامی؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی، مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، شماره چهارم، صص ۱۱۳-۱۰۳.
۱۹. ربوبی، م. و رحیمیه، ف. ۱۳۵۴، شناخت شهر و مسکن بومی ایران در اقلیم گرم و مرطوب دزفول و شوشتر،

دانشگاه تهران، تهران.

۲۰. رهنمایی، م. و شاه‌حسینی، ف. ۱۳۸۳، فرایند برنامه‌ریزی شهری در ایران، سمت، تهران.
۲۱. زیاری، ک. ۱۳۷۹، تفکیک قنات و نقش آن در شکل‌گیری و توسعه اولیه سکونتگاه‌های ایران، فصلنامه دانشور، سال هفتم، شماره بیست و هشتم، ۹۰-۸۱.
۲۲. سعیدنیا، ا. ۱۳۷۴، اندیشه‌های خام شهرسازی، هنرهای زیبا، شماره اول، صص ۳۶-۳۱.
۲۳. سعیدی رضوانی، ن. ۱۳۷۱، شهرنشینی و شهرسازی در دوره بیست سال ۱۳۲۰-۱۳۰۰، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره بیست و پنجم، ۱۶۵-۱۴۰.
۲۴. سلطان‌زاده، ح. ۱۳۶۷، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۵. کاتوزیان، م. ۱۳۶۸، اقتصاد سیاسی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۶. کمپفر، ا. ۱۳۶۰، سفرنامه کمپفر، ترجمه کی‌کوس جهان‌داری، انتشارات خوارزمی، تهران.
۲۷. لطیفی، غ و چابک صفری، ن. ۱۳۹۲، بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی - اسلامی بر پایه اصول نو شهرگرایی، علوم اجتماعی، شماره شصت‌وششم، صص ۶۵-۵۶.
۲۸. محبوبی اردکانی، ح. ۱۳۷۰، تاریخ مؤسسات تمدنی در ایران، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۹. مجتهدزاده، غ. ۱۳۸۷، برنامه‌ریزی شهری در ایران، پیام نور، چاپ هفتم، تهران.
۳۰. مستوفی، ح. ۱۳۳۹، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳۱. مشهدی‌زاده دهاقانی، ن. ۱۳۷۴، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، علم و صنعت، تهران.
۳۲. معماریان، غ. ۱۳۷۴، معماری مسکونی ایران، گونه‌شناسی درون‌گرا، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۳۳. نظریان، ا. ۱۳۹۰، پویا نظام شهری در ایران، انتشارات مبتکران، تهران.
۳۴. نقی‌زاده، م. ۱۳۷۴، صفات شهر اسلامی در متون اسلامی، مجله هنرهای زیبا، شماره چهارم و پنجم، ۶۱-۴۷.

35. Abu-Lughod, J. L. (1987). The Islamic City: History Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance, International Journal of Middle East Studies, Vol. 19, No. 2, PP. 155-176, 1987.